

سپهرغرب، گروه شهر – عباس سریشی: گاهی کلاه‌مان را قاضی کنیم و از خود بیرسیم که سرمایه‌های عمرانی این شهر سهم چه کسانی است و با درک اهم و مهم در کجا باید هزینه شود؟

بسیاری از صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که امروزه تراکم جمعیت در شهرها و فشاری که این موضوع بر همه ابعاد و ساختارهای حیاتی آن وارد می‌کند چاره‌ای را جز سوق دادن سرریز جمعیتی به شهرک‌های پیرامونی نگذاشته‌است. در حقیقت شهرک‌های اقماری که امروزه شاهد ساخته و گسترش آن‌ها هستیم تنها منافذ و روزهایی هستند که می‌توان به کمک آن‌ها به شهرها و به‌خصوص کلان‌شهرها اجازه تنفس داد.

کارشناسان معتقدند مسؤولان شهر (اعم از دولتی و غیردولتی) باید کنترل و توانایی علمی لازم برای مدیریت رشد و توسعه شهرک‌ها را داشته و اینکه در ساخت شهرک و اسکان جمعیت در آن‌ها باید تابع مقررات و موازینی باشند که باعث نشوند به‌جای ترمیم یک زخم، شکاف دیگری را بر بدنه جامعه ایجاد کنند.

قطعاً لازمه تحقق این امر نیز توجه و تأمین حداکثری زیرساخت‌های موردنیاز در حوزه‌های مختلف اعم از رفاهی، خدماتی، آموزشی، درمانی و غیره است. درواقع کسانی که در شهرک‌ها ساکن می‌شوند ضمن آنکه امیدوارند با این کار از فشار و تراکم نفس‌گیر شهرها خلاصی یابند انتظار این را نیز دارند که امکاناتی را معادل و یا در حد و تراز شهر دریافت کنند و این‌گونه نباشد که به امید سراب خلوت‌نشینانی، از چاله به چاه کمبود دورافتادگی بیافتند.

متأسفانه درحالی‌که امروزه و در بیشتر کشورهای جهان بر اساس یک سازوکار مدیریت‌شده و آینده‌نگر، شهرک‌ها به دلیل خلوتی و وسعت خانه‌ها و خدمات اختصاص داده‌شده به آن‌ها به‌نوعی اعیان‌نشین و ویلایی محسوب می‌شوند، اما موضوع ساخت شهرک‌های مسکونی در کشور ما از اواسط دهه ۶۰ به شکل دیگری رو به گسترش نهاد بدین شکل که در این سال‌ها عموماً به دلیل کثرت زمین، دولت زمین‌های در اختیار خود را با قیمت ارزان به تعاونی‌های مسکن کارگرمی و کارمندی واگذار کرد و باعث رشد قارچ گونه شهرک‌هایی شد که باوجود پذیرش جمعیت بسیار اما عموماً از کمترین موابهت و خدمات شهری برخوردار هستند.

کارشناسان بر این عقیده‌اند که عدم حاکمیت برنامه‌های اصولی شهرسازی بر رشد شهرها منجر به عقب‌ماندگی روند شهرک‌سازی از شهرنشینانی شده‌است چراکه برنامه‌ریزی برای شهرک تنها ایجاد خانه‌هایی برای اسکان دادن افراد نیست، بلکه پاسخی به نیازهای روزمره انسان و برآورده کردن احتیاجات رفاهی، اشتغال، آموزشی، بهداشتی، تفریحی و موارد دیگر نیز هست.

در حقیقت شهرک‌سازی در ایران از همان ابتدا بیشتر از آنکه موجب رفاه مردم شود موجب بروز مشکلات شد و البته علت اصلی ناموفق بودن این طرح نیز مسائل و معضلاتی بود که پس از احداث شهرک به وجود آمد؛ چراکه با توجه به اینکه شهرک‌های اقماری ماهیت اقتصادی و معیشتی ندارند، موجب می‌شوند که در عمل سربار مادرشهرها شده و در اصطلاح نان‌خور اضافه شوند چراکه صرفاً اهدافی که از احداث این شهرک‌ها دنبال می‌شود، انتقال سرریز جمعیت به آن‌ها بدون توجه به تبعات ناشی از کم برخورداری از خدمات عمومی است.

پیر سابقه و کم برخوردار

اما شهرک الوند نیز جزء چند شهرک اصلی و متصل به شهر همدان است که نزدیک به چند دهه از عمر ساخت آن می‌گذرد (از حدود سال‌های ۱۳۵۵- ۱۳۵۶ که به‌عنوان شهرکی مخصوص کارکنان پادگان قهرمان تعریف و از همان زمان با تفکیک و نقشه جامع با لحاظ نمودن همه نیازهای زیرساختی ورزشی، بهداشتی و آموزشی در نقشه جامع شهری

شهرک الوند، جایی برای جستجوی عدالت

تعریف‌شد)، اما هنوز آن‌گونه که بایسته و شایسته بوده شاهد خدمات‌رسانی خاصی در مباحث زیرساختی و رفاهی نبوده‌است.

درواقع از سال ۱۳۷۰ به بعد نیز که شهرداری رسماً مدیریت این منطقه را تحویل گرفته و با توسعه آن امروزه شاهد سکنی گزیدن جمعیتی بالغ‌بر هزاران نفر در آن هستیم اما با گشت‌وگذاری هرچند سطحی در خیابان‌ها و کوچه‌پس‌کوچه‌های آن به‌وضوح می‌توان دید که این منطقه برخلاف داشتن جمعیت زیاد، بااین‌حال تقریباً از بسیاری از امکاناتی که بهطور معمول باید در یک شهرک وجود داشته باشد بی‌بهره مانده‌است به‌نوعی که ساکنان آن ناگزیرند تا برای برخی از ساده‌ترین کارهای خود نیز به شهر مراجعه کنند.

عمده ساکنان این منطقه بر این باورند که این کمبودها و نواقص نه الزاماً ناشی از کمبود اعتبارات، سرمایه و یا حتی سرانه توسعه بلکه متأثر از بی‌توجهی غیرقابل‌توجیه مسؤولانی است که حتی حاضر نیستند بازدیدی از این مناطق داشته و گوش



شنوایی برای ساکنان آن نباشند. گو اینکه به‌طور نمونه حتی وقتی طوماری با امضای قریب به دو هزار نفر از مردم این منطقه با موضوع تقاضای رسیدگی به مشکلات، تهیه و به مدیران وقت تسلیم شد اما بازهم شاهد تغییر و واکنش واضح و مشخصی در خصوص برون‌رفت از مشکلات نبودند.

برخی از معتمدان محل با اشاره به اینکه حتی ساکنان در جهت کمک به حل مشکلات با اهدای زمین خواستار ساخت و واگذاری امکانات از سوی نهادهای و سازمان‌ها در مباحث فرهنگی، ورزشی، آموزشی و دیگر نیازها نیز شده‌اند اما بازهم در کمال ناپوری پاسخی دریافت نکرده و همچنان درگیر مشکلات هستند.

بررسی‌ها و گزارش‌های مردمی مؤید این نکته است که به دلیل افزایش جمعیت (به‌خصوص قشر جوان و نوجوان) مشکلات این منطقه روزه‌روز در حال افزایش بوده و می‌طلبد تا مسؤولان به‌صورت جدی و جهادی به آن ورود پیدا کرده تا خدایی نکرده برخی ظرفیت‌های خوب و فرصت‌های امروز تبدیل به مرداب و بستری تهدید زا برای فردا نشود.

کمبودهای ساده و سؤال‌برانگیز

وقتی صحبت از کمبودهای شهرک الوند به میان می‌آید ممکن است عده‌ای از مدیران تصور کنند که کمبود یعنی نبود کافی‌شاپ، استخر، سونا، جکوزی و غیره؛ حال اینکه در کمال تعجب مشکلات این شهرک بسیار سطح پایین‌تر و ساده‌تر از این حرف‌هاست. در حقیقت مشکلات این شهرک نه در



حوزه کمبود رفاهیت بلکه فقدان برخی ملزومات حیاتی و روزمره مثل نانوایی، داروخانه شبانه‌روزی، پزشک، کلانتری، آتش‌نشانی، مدرسه، درمانگاه و دیگر نیازهای اساسی برای ساکنان این منطقه است که شاید به ذهن بسیاری از آن‌ها نیز خطور نکند اما!..

تقریباً سال گذشته و دقیقاً در چنین ایامی بود که نخستین گزارش سپهرغرب از وضعیت شهرک الوند با تیرت شهرک الوند، تشنه زیرساخت‌های فرهنگی به چاپ رسید. نوشتاری که علاوه بر انعکاس مشاهدات میدانی خبرنگاران، متضمن مطالبات و گلایه‌های تعدادی از اعضای هیئت امنای مسجد الهمدی، معتمدان و ساکنان این منطقه بود که همگی متفق‌القول بودند که باوجود گذشت چند دهه از احداث این شهرک اما هنوز نه‌تنها زیرساخت‌های پیش‌رونده‌ای برای آن تعریف‌نشده بلکه همان داشته‌های قبلی اعم از زیرساختی و تأسیساتی نیز که مرون تلاش‌های تعاونی مسکن ارتش به‌عنوان آغازگر تأسیس و تشکیل شهرک بوده دیگر تکافوی نیازهای ساکنان نیست.

عدم‌تغییر در شرایط قبلی و همچنین ازدحامی که امروز متأثر از افزایش جمعیت در این منطقه احساس و مشاهده می‌شود؛ و البته پاسخ به پیام‌های مردمی ما را بر آن داشت تا بار دیگر در قالب پیگیری مجدد مطالبات همشهریان ضمن حضور در این شهرک علاوه بر مقایسه دیداری تغییرات، شنوای صحبت‌های مردم نیز باشیم تا علاوه بر آنکه رسالت خود را انجام دهیم، به‌نوعی نیز حجت را با مسؤولان



شهرک الوند، جایی برای جستجوی عدالت

الوند به‌جز چند خیابان و کوچه‌ها در کنار خانه‌های مسکونی مردم چیزی دیگری ندارد چراکه از همان ابتدا و قبل از محاسبه سرانه‌ها، تخصیص زمین‌ها و فضاهای لازم به کاربری‌های مختلف، زمین به‌سرعت تبدیل به ساختمان‌های مسکونی شده و تنها کوچه‌ها و خیابان‌هایی برای رفت‌وآمد باقی‌مانده‌اند.

به گفته مردم و معتمدان، همین موضوع باعث شده‌است تا امروزه دیگر عملاً فضایی برای ساخت مراکز خدماتی و رفاهی باقی نمانده و همان داشته‌های قبلی نیز به دلیل تراکم و فشار استفاده با سرعت بیشتری به‌سوی استهلاک و خرابی پیش روند.

اینکه ساکنان (اعم از قدیمی و تازه‌وارد) معتقدند کمبود فضای آموزشی اعم از پیش‌دبستانی، مهدکودک و یا مدارس (به‌خصوص در مقاطع متوسطه و برای دختران)، فقدان داروخانه شبانه‌روزی و درمانگاه و یا حتی مرکز اورژانس، کلانتری، نانوایی، بانک، دفتر پیش‌خوان دولت از یک‌سو و نیز نبود اماکن و امکاناتی که جوانان بتوانند اوقات فراغت



خود را در آن بگذرانند، از سوی دیگر به یک معضل اساسی تبدیل شده‌است.

البته به نظر آن‌ها شاید به دلیل نزدیکی به شهر همدان بتوان تا حدودی برخی از این مشکلات را تحمل و یا با رفتن به شهر آن‌ها را مرتفع کرد اما متأسفانه مسئله کمبود وسایل نقلیه عمومی و ایمن نیز به‌جای خود محل بحث دارد که به‌صورت ویژه زنان و نوجوانان را با مشکلات اساسی مواجه کرده‌است.

به گفته برخی از ساکنان برخلاف افزایش محسوس جمعیت، اما کمیت وسایل نقلیه عمومی (به‌ویژه اتوبوس) تغییر چندانی نکرده و همین امر نه‌تنها موجب تراکم مسافران شده بلکه باعث ایجاد صف و انتظارهای طولانی‌مدت نیز در ایستگاه‌ها می‌شود که این موضوع به‌خصوص در فصول سرد و بارندگی که هوا زودتر تاریک می‌شود موجب دغدغه خاطر بسیاری از والدین می‌شود.

برخی از بانوان این منطقه ضمن اشاره به موضوع فقدان پزشک، درمانگاه و داروخانه عنوان می‌کنند که بسیار پیش می‌آید که برای خرید یک داروی ساده مجبور شده‌اند تا به مرکز شهر مراجعه کرده و ساعت‌ها معطل شوند و این در حالی است که شهرکی با این جمعیت باید حداقل دارای بعضی امکانات درمانی پایه باشد که متأسفانه ندارد!

یکی از بانوان با تأکید بر اینکه کمبود نانوایی گاهی آن‌ها را برای تهیه مهم‌ترین عنصر سفره نیز دچار مشکل می‌کند، گفت: به‌نجوی‌که یا باید متحمل انتظار و حضور طولانی مدت در صف‌های بلند باشیم یا خرید و بارکشی از شهر.

یکی از ساکنان شهرک الوند نیز با طرح موضوع کمبود مدرسه در این شهرک با بیان اینکه در حال حاضر بیشترین جمعیت این منطقه را کودکان و نوجوانان تشکیل می‌دهند که صرفاً به دلیل کمبود مدارس یا دو شیفته هستند و یا بعضی از آن‌ها روزانه مسیر شهرک تا همدان را باید با تاکسی یا اتوبوس طی کنند و به مدارس همدان بروند که این مسئله بسیار ناراحت‌کننده است، عنوان کرد: تقاضا داریم آموزش‌وپرورش در این خصوص فکری کند به‌خصوص اینکه مدارس موجود نیز قدیمی و کهنه‌ساز هستند که باید در طرح نوسازی و تجهیز اساسی قرار گیرند.

البته به گفته برخی ساکنان مقوله نبود بانک نیز در این منطقه مدت‌هاست که مشکل‌ساز شده، زیرا تنها بانک موجود در این منطقه به‌صورت مشترک با شهرک ولیعصر در ابتدای آن قرار دارد که آن‌هم بسیار شلوغ است و دو دستگاه خودپرداز موجود نیز پاس‌شگویی همه نیازها نیست، بنابراین ساکنان با مجبورند به شهر مراجعه کنند یا صابون یک انتظار تقریباً طولانی را در تنها بانک موجود به تن بمانند. البته این کمبودها شامل مباحثی مثل کلانتری، ایستگاه پلیس راهور و غیره نیز می‌شود که ناخواسته موجب شده تا ضریب ایمنی و جلوگیری از بروز تخلفات نیز کاهش یابد.

حقوق شهروندی فقط لقلقه زبان نباشد

هرچند در ماده ۲ حقوق شهروندی به‌وضوح اعلام می‌شود که شهروندان باید از حق زندگی شایسته و لوازم آن همچون آب بهداشتی، غذای مناسب، ارتقای سلامت، بهداشت محیط، درمان مناسب، دسترسی به دارو، تجهیزات، کالاهای و خدمات پزشکی، درمانی و بهداشتی منطبق با معیارهای دانش روز و استانداردهای ملی، شرایط محیط زیستی سالم و مطلوب برای ادامه زندگی برخوردار باشند و یا در ماده ۸ این منشور صراحتاً عنوان می‌شود که اعمال هرگونه تبعیض ناروا به‌ویژه دسترسی شهروندان به خدمات عمومی نظیر خدمات بهداشتی و فرصت‌های شغلی و آموزشی ممنوع است؛ و مجریان و دولتمردان باید از هرگونه تصمیم و اقدام منجر به فاصله طبقاتی و تبعیض ناروا و محرومیت از حقوق شهروندی، خودداری کنند اما!..

بااین‌حال در بررسی شرایط فعلی شهرک الوند و نیز با توجه خاص به هم‌جوری دو شهرک دیگر با این منطقه که باعث افزایش جمعیت به بیش از چند ده هزار نفر شده این‌گونه برداشت می‌شود که هنوز مدیریت شهر همدان به یک درک مفهومی، عمیق و عدالت محور از تعریف حقوق شهروندی نائل نشده و کماکان این عبارت فقط در حد یک لقلقه زبان رای رنگ و لعاب بخشی به سخنرانی‌ها و همایش‌ها باقی مانده‌است.

سؤال اینجاست که اگر قرار باشد ما نتوانیم به پایه‌ای‌ترین نیازهای مطالبات شهروندان پاسخ داده و مرتفع‌کننده نیازهای حیاتی آنان باشیم، پس چگونه می‌توان داعیه توسعه و پیشرفت را داشت.

بی‌شک این یکی از مهم‌ترین نقطه‌ضعف‌های سیستم مدیریتی شهر ماست که نتوانسته و یا شاید هم نتوانسته تا در درک واقعی نیازهای مردم به امر عدالت محوری در تخصیص امکانات و سرمایه‌ها اقدام کند و نتیجه آن می‌شود که برخلاف هزینه کردنه‌ای چند دهه‌میلاردی برای طرحی مانند پیاده‌روسازی، در مقابل شهرک‌هایی نیز هستند که از داشتن نانوایی و داروخانه و یا مرکز بهداشتی و درمانی که بیش از چند ده میلیون هزینه نمی‌خواهد بی‌بهره مانده‌اند! گاهی کلاه‌مان را قاضی کنیم و از خود بیرسیم که سرمایه‌های عمرانی این شهر سهم چه کسانی است و با درک اهم و مهم در کجا باید هزینه شود؟ آیا جز این است که مردم صاحبان اصلی آن هستند و بیشترین ساکنان آن نیز در مناطق کم برخوردار و فراموش‌شده ساکن شده‌اند. به‌راستی جای سؤال است که مقشمان اعتبار و سرمایه با کدام دید به شهر می‌نگرند؟ با دید مردم‌داری و عدالت محوری یا منطقه نگری و جلب رضایت خواص؟

